



نمونه عملی میدان دادن به جوانان بود

گفت‌وگو با سخنگو و دبیر هیئت دولت سیزدهم

علی بهادری جهرمی، متولد ۲۰ شهریور ۱۳۶۴ در گلپایگان است. او دانش‌آموخته دکترای حقوق عمومی از پردیس فارابی دانشگاه تهران است. او از سال ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۰ به‌عنوان رئیس مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه فعالیت می‌کرد. بهادری جهرمی از سال ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۷ عضو و سرپرست گروه حقوق عمومی معاونت حقوقی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام بوده است. بهادری جهرمی در دولت سیزدهم سمت سخنگوی دولت و رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت و دبیر هیئت دولت ایران را برعهده داشت و در ۱۲ آذر ۱۴۰۱ سپهر خلجی جایگزین او در شورای اطلاع‌رسانی دولت شد.

یکی از ویژگی‌های دولت آقای رئیسی تحول‌گرایی و حضور جوانان در مسئولیت‌های بالا از وزارت تا مسئولیت‌های دیگر است. از این منظر به ویژگی‌های مدیریتی شهید آیت‌الله رئیسی، به‌ویژه با توجه به دغدغه‌هایی که درباره حل مشکلات مردم داشتند، بپردازید.

بسم الله الرحمن الرحیم. ایشان نگاه‌شان این بود که مسیری را که رهبر انقلاب و چهارچوب‌های انقلاب مشخص کرده‌اند، مسیر مناسب برای حرکت کشور است؛ حتی اگر مسیری باشد که به‌ویژه برای شخص ایشان هزینه‌هایی را در بر داشته باشد، مسیر خدمت به مردم، رشد و توسعه کشور است و هزینه‌اش را هم به جان می‌خریدند.

همه از جوان‌گرایی حرف می‌زنند، اما اینکه کسی واقعا جوان‌گرایی کند، یعنی توان پذیرش این ریسک را داشته باشد که اولاً از رفقای ۳۰، ۴۰ ساله خودش و کسانی که آنها را می‌شناسد و با آنها تجربه کاری دارد، عبور کند و به سراغ کسانی برود که آنها را خیلی نمی‌شناسد و با آنها چندان تجربه کاری ندارد. ثانیاً در موضوعات کلان کشور اعتماد کند و مسئولیت را در اختیار یک جوان بگذارد. خواهش من این است که با ذهن یک آدم باتجربه به ماجرا نگاه کنید، نه با ذهن من جوان که می‌گویم جوان هست، اما پخته و جا افتاده است و می‌فهمد و متوجه است و چه بسا جلوتر از خیلی از قدیمی‌ترها هم باشد. با ذهن آدمی که سن و سال بالاتری دارد و طبیعتاً نوع نگاهش به جوان‌ترها اصولاً این‌گونه است که آنها را دارای پختگی و تجربه کمتری می‌داند و احتمال خطا در آنها می‌دهد. آن هم چه کاملاً از روی اعتماد، نه اینکه یکی دو نفر را در چینش‌ها به کارگیری کنیم، آن هم صرفاً برای اینکه بگوییم ما جوان‌گرایی کردیم. هر کسی هم که برسد بگوییم خانم یا آقای الف جوان است.

مثلاً مشاور امور جوانان؟

بله. یا هر عنوان دیگری. بالاخره یک جوان هم هست. آقای رئیسی اصلاً این‌گونه نبود. نگاه ایشان به جوانان دقیقاً مثل نگاه به افراد باتجربه در حوزه‌های مختلف بود. اگر به نحوه چینش دولت آقای رئیسی نگاه کنید، در موضوعات مهمی مثل مسائل اقتصادی که محور مطالبات مردم و اولویت اول آنها بود، ایشان این ریسک را می‌پذیرد و یک جوان را به‌عنوان وزیر اقتصاد دولتش منصوب می‌کند. در حوزه اجرایی یک نفر به‌عنوان معاون اجرایی، به اصطلاح قدیمی‌ترها جوانی کرده و موضوع‌گیری‌هایی کرده بود که از یک مدیریت دولتی انتظار نمی‌رفت که این‌گونه درباره مافوقش صحبت کند. آقای رئیسی چون احساس کردند که آن موضوع‌گیری ممکن است باعث بشود که برخوردی با او صورت بگیرد، در یادداشت‌های شخصی‌شان نوشته بودند که فراموش نکنند و در هیئت دولت، قبل از اینکه حرفی مطرح بشود، خودشان شروع کردند و گفتند: این جوان‌ها غنیمت هستند، تحول ایجاد می‌کنند، بن بست‌شکن هستند. شاید در جایی

آقا سید مهدی موسوی که همواره همراه و ملازم حاج آقا بود. در سفر لرستان، هجوم جمعیت باعث شد که یکی از خودروها روی پای سید برود. حاج آقا بلافاصله به من دستور دادند که برو به سراغ سید. من رفتم به بیمارستان و دیدم ایشان با چهره‌ای بشاش روی تخت دراز کشیده. از منج پا تا ران او در چندین جا شکسته بود. آقای پزشک ارتوپد و رئیس بیمارستان را خواستیم. گفتند امکان مداوا در اینجا وجود ندارد. توگوئی آب از آب برای آقای موسوی تکان نخورده بود. ما با اصرار، ایشان را به تهران اعزام کردیم. می‌گفت منتظر می‌مانم و با پرواز حاج آقا که قرار بود در اواخر شب انجام شود برمی‌گردم. آمدند تهران و در یکی از بیمارستان‌ها بستری شدند و من توفیق داشتم دو سه بار به عیادت ایشان بروم. می‌گفت: دلنگ حاج آقا هستم. چند روز در بیمارستان بستری بود و بعد به منزل رفت. طاقت نمی‌آورد. با پای گچ گرفته به نهاد ریاست جمهوری می‌آمد و در نزدیک‌ترین فاصله به دفتر حاج آقا می‌ایستاد و به درمانش می‌رسید و امور جاری را هم پیگیری می‌کرد. در تمام سفرها، اگر سفر کوتاه بود، نماز صبح را در فرودگاه در خدمت شهید می‌خواندیم.

به نظر شما مهمترین شاخص شهید جمهور که می‌تواند الگویی برای سایر منتخبان مردم باشد چیست؟

آیت‌الله رئیسی در عشق خدمت به مردم، زمان نمی‌شناخت. بعضی وقت‌ها بعضی از ماها می‌گوئیم امروز کار خیلی سنگین بود. در فرمایشات آیت‌الله رئیسی هرگز چنین چیزی را نمی‌شنیدید. استان خوزستان مشکل کم‌آبی داشت. ایشان خیلی از این بابت متأثر بود. اولین سفر سرزده استانی ایشان به استان خوزستان و شهر اهواز بود. در آنجا دستور داد که مشکل آب حل بشود. پیش از دستور ایشان تقریباً ۴، ۵ گروه داشتند کار می‌کردند که تبدیل به بالغ بر ۱۴۰ کارگاه شد. خود من چند بار از آنجا بازدید کردم. هم در حوزه آب، هم در حوزه فاضلاب اهواز که متأسفانه بسیار برای مردم مشکل‌ساز بود، و همین‌طور برای رفع کمبود آب اقدامات بزرگی صورت گرفتند. ایشان دستور دادند کاری متعددی انجام شوند. در وهله اول بالغ بر ۱۵۰۰ میلیارد تومان از سازمان برنامه و بودجه و جاهای متعدد به طرح تزریق شد. به این ترتیب، نه فقط مشکل بی‌آبی اهواز، بلکه ۵۰ درصد مشکلات آبی مردم خوزستان از اهواز تا خرمشهر، آبادان، شادگان و شهرهای اطراف مرتفع شد.

در حوزه پروژه‌های فاضلابی در یک بازه زمانی کوتاه، دو سه گروه با ابزارهایی که قرارگاه خاتم‌الانبیا ساخته بود، عملیات اجرائی آغاز شد و تصفیه‌خانه‌های ۱ و ۲ و ۳ راه‌اندازی شدند و کار بزرگی صورت گرفت.

گاهی اوقات که به روستاها می‌رفتیم و مردم متوجه می‌شدند که کاروان رئیس‌جمهور آمده، می‌آمدند و سر راه می‌ایستادند. در یکی از سفرها به استان، مردم که جمع شدند، حاج آقا به راننده گفت: بایست. سید مهدی به راننده گفت: نایست. چون مسئولیت سنگینی داشت. حاج آقا عصبانی شدند. تصویرش هم پخش شد.

همان تصویری که ایشان با عصبانیت گفتند اگر این طوری باشد، دفعه بعد خودم پشت فرمان می‌نشینم و رانندگی می‌کنم. وقتی ماشین ایستاد، من دیدم سید دارد در خودش می‌جوشد. گفتم: نگران نباشید. این مردم، مردم بزرگی هستند. مگر این مردم اجازه می‌دهند که اگر کسی هم از بیرون آمده باشد، خدای ناکرده بتواند تعرضی بکند؟ شما نگران نباشید. از این سنخ خاطرات بسیار فراوان است. خیلی جالب بود که خادم امام (رضاع) در روز ولادت حضرت به ایشان پیوست. امیدوارم در جوار علی بن موسی (رضاع) و بهشتی که خداوند وعده داده است، روزی خوار باشد و از خدا می‌خواهیم که به ما توفیق بدهد که مورد شفاعت این شهید عزیز قرار بگیریم.

اولین سفر ما به استان خراسان جنوبی بود. دوره کرونا هم بود. ما ابتدا وارد شهر طبس شدیم. ایشان ابتدا به زیارت مزار شهید و امامزاده و سپس معدن زغال سنگ طبس رفتند. یعنی جایی که زحمتکش‌ترین کارگرها کار می‌کنند. وقتی رفتیم و آیت‌الله رئیسی چهره کارگران خدمت را دید، بی‌مبالا بین جمعیت رفت و گفت می‌خواهم داخل معدن بروم. از مظهر معدن وارد شد و صدها متر جلو رفت. دست در دست این کارگران زحمتکش گذاشته بود. هوا هم گرم بود. عرق کارگرها با غبارهای زغال سنگ تقریباً چهره همه را سیاه کرده بود و بعضی وقت‌ها از صورت کارگران عرق سیاه می‌چکید. ایشان همه ما را کنار زد و رفت وسط کارگرها و شروع کرد به شناسائی مشکلات آنها و گوش دادن به درد دل‌هایشان. در آنجا دستور داد و ما را مأمور کرد که اقداماتی را انجام بدهیم. تقریباً در یک بازه زمانی کمتر از یک ماه تمام مشکلات آن معدن در حوزه کارگری، از جمله بحث اسکان و حمل و نقل و حقوق و مزایای آنها را برطرف کردیم



رئیس‌عزیز
ویژه‌نامه چهلمین روز
عروج شهدای خدمت